■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی

جام جم

■ شاپا: ISSN۱۷۳۵-۳۶۳۷
■ پایگاه اطلاع رسانی: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰-۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کدپستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۲۰۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰
■ شماره پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: چاپخانه روزنامه جام جم

سه‌شنبه ۲۰ آبان ۱۳۹۹ | ۲۴ ربیع‌الاول ۱۴۴۲ | ۲۰ صفحه | سال بیست‌ویکم - شماره ۵۷۹۹ | استان تهران و البرز ۲۵۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۵۰۰ تومان | Tuesday-November10,2020

حدیث روز: کنزالعمال

پیامبر اسلام(ص): محبوب‌ترین بندگان در نزد خدا پرهیزگاران گمنامند.

واحه: صائب

بی‌محبت مگذران عمر عزیز خویش را
در بهاران عندلیب و در خزان پروانه باش

امروز در تاریخ:

- هیات وزیران، بحرین را به عنوان استان چهاردهم ایران اعلام کرد(۱۳۳۶ش)
- مسدودشدن دارایی‌ها و قطع خرید نفت از ایران توسط جیمی کارتر در اعتراض به گروگانگیری کارمندان سفارت آمریکا در تهران(۱۳۵۸ش)
- پایان جنگ جهانی اول(۱۹۱۸م)
- کشف واکسن ویروس فلج اطفال توسط جونس سالِک پزشک آمریکایی(۱۹۵۲م)

اوقات شرعی:

اذان ظهر:	۱۱/۴۸	غروب آفتاب:	۱۷/۰۱
اذان مغرب:	۱۷/۲۰	نیمه شب:	۲۳/۰۵
اذان صبح(فردا):	۵/۱۰	طلوع آفتاب(فردا):	۶/۳۶

وضعیت آب و هوای امروز

تهران	ایلام	اصفهان	بجنورد	تبریز	رشت	زاهدان	یزد
۱۸ / ۱۰	۱۶ / ۷	۲۱ / ۳	۱۷ / ۲	۱۵ / ۵	۱۷ / ۱۳	۲۴ / ۶	۲۵ / ۱۱

حکمت ۲۶۷: نهج‌البلاغه

ای فرزند آدم اندوه روز نیامده را بر امروزت میفزا، زیرا اگر روز نرسیده از عمر تو باشد خدا روزی تو را خواهد رساند.

تلنگر

دنیا ۲ روز است

علیرضا رأفتی
روزنامه‌نگار

خودش گفته که ما انسان را در سختی آفریدیم. حالا شما شده‌ای کاسه داغ‌تر از آش و جز و وز می‌زنی که روی خوش زندگی را برای خودت بپزی؟ بی‌خیال عموجان! در دیگی که گوشت ندارد دنبال چه می‌گردی؟ خود آشپزش گفته ندارد. اصلا به موی سیاه و صورت نوخطم نمی‌خورد که از این حرف‌ها بزنم.

اصلا نمی‌خواهم بنشینم و یک استکان کمرباریک چای با نعلبکی و دو حبه قند کنارش بگیرم دستم و زیرچشمی نگاهت کنم و بگویم: این دنیا سراسر سختی است. اگر روی خوش آن را دیدی دل نبند و اگر روی غم‌انگیز آن را دیدی خودت را نباز... نه عمو! اصلا این حرف‌ها به قیافه ما نمی‌خورد. مگر من همه روزهای زندگی‌ام را دیده‌ام که این‌قدر راحت و سلیس راجع به آن حکم صادر کنم. خدا هزاران روز برایم مقدر کرده که یکی از آنها قرار است روزگارم را عوض کند. کسی می‌تواند از این حرف‌ها بزند که تمام روزهای زندگی‌اش را دیده باشد. کسی هم که تمام روزهای زندگی‌اش را دیده باشد دیگر زنده نیست که بخواهد استکان کمرباریک و نعلبکی دست بگیرد و از این حرف‌ها بزند. فقط خدا می‌داند چند نفر الان دوست دارند بیایند روبه‌رویت بنشینند و حکم قطعی را راجع به زندگی بدهند اما نمی‌توانند لحدشان را بشکافند و خاک رویش را کنار بزنند و سنگ قبرشان را کنار بزنند و بلند شوند.

من همین‌قدر که توی کتاب‌های خاک‌خورده گوشه کتابخانه‌های قدیمی‌مان آورده شده می‌توانم برایت بگویم. همین‌قدر که عطار توی تذکره‌الاولیایش و مولوی توی مثنوی‌اش گفته می‌توانم بگویم:

این سو کشان سوی خوشان، وآن سو کشان با ناخوشان
یا بگذرد یا بشکند کشتی در این گرداب‌ها

یا همین‌قدر که از امیرالمومنین سخن روی کاغذها به‌جا مانده می‌توانم برایت بگویم. همین دو جمله:

الدهر یومان.
یوم لك و یوم علیك

گفت‌وگو با شهناز عبادانی، مدیر موسسه خیریه محدث

بیکاری دوره کرونا نیازمندان را فقیرتر کرده است

عکس: وحید احمدی/ تسنیم

کافه میرداماد

طاهره آشیانی
روزنامه‌نگار

«کرونا آبرومندان زیادی را دچار مشکلات معیشتی و زندگی کرده است، افرادی که تا قبل از کرونا از کار کردن ابایی نداشتند و آبرومندانه هر کار سختی را انجام می‌دادند تا مخارج خانواده خود را تامین کنند اما کرونا کسب و کارها را تعطیل کرده و باعث بیکاری زیادی شده و الان زمان آن است که ما حواسمان به نیازمندان واقعی و خانواده آنها باشد تا آنان با حفظ کرامت انسانی از این مرحله عبور کنند.» اینها گفته‌های خانم شهناز عبادانی است، مدیر موسسه خیریه محدث که نزدیک به ۲۰ سال است در حوزه حمایت از دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل فعالیت می‌کند و با شیوع کرونا فعالیتش بیشتر و البته سخت تر شده است. او درباره موسسه‌اش می‌گوید: محدث مخفف موسسه حمایت دانش‌آموزان ثامن‌الائمه است. به‌نام امام رضا(ع) فعالیت می‌کنیم و تاکنون از برکات حمایت امام هشتم (ع) بسیار برخوردار شده‌ایم و خیرین زیادی به ما پیوسته‌اند و کمک‌های آنها باعث شده تاکنون بتوانیم از دانش‌آموزان بی بضاعت و ایتام حمایت کنیم هم در تهران و هم در استان‌های کم برخورداری مانند سیستان و بلوچستان، خراسان شمالی و جنوبی، لرستان و....

اولویت، کارآفرینی است

عبادانی درباره شروع فعالیتش می‌گوید: کارمند وزارت آموزش و پرورش بودم. آنجا متوجه شدم برخی دانش‌آموزان مستعد که در تحصیل موفق بودند، ترک تحصیل می‌کردند. بعد از تحقیق متوجه شدم بیشتر آنها به دلیل مشکلات مالی مجبور به ترک تحصیل می‌شوند. همین موضوع سبب شد انگیزه راه‌اندازی مرکزی خیریه برای حمایت از دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل در من ایجاد شود، قدم‌های اولیه را برداشتم و یکی از خیرین ساختمانی را در اختیار ما گذاشت و بعد از ثبت به همت و یاری خیرین کارمان را شروع کردیم و موسسه را به نام ثامن‌الائمه ثبت کردیم؛ چون باورمان این است امام رضا (ع) یکی از بهترین یاریگران است. با کمک مددکاران شروع به شناسایی دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل کردیم. بیشتر آنان یا یتیم بودند یا پدر و مادر معلول داشتند که نمی‌توانستند کار کنند و فرزندان‌شان باید تحصیل را رها می‌کردند تا کار کنند و مخارج خانواده را تامین کنند. وقتی دانش‌آموزی را شناسایی می‌کنیم تا به تحصیل ادامه دهد، باید به او کمک کنیم تا به تامین مخارج خانواده کمک کند و بخشی از هزینه خانواده را هم خودمان تامین کنیم که او منعی در ادامه تحصیل نداشته باشد. بر همین اساس برای خودش یا پدر یا مادرش کارآفرینی می‌کنیم، مثلا با خرید یک چرخ خیاطی، مادرش در خانه دوخت و دوز انجام می‌دهد و محصولاتش را در خیریه‌ها به فروش می‌رسانیم یا خود دانش‌آموز بعد از فراغت از درس خواندن روزانه، در رستورانی مشغول کار می‌شود یا در کارگاه‌های تولیدی. برای دانشجویانمان هم گاهی موتورسیکلت می‌خریم که به عنوان پیک موتوری کارکند و از عهده مخارج زندگی برآید. در واقع ما بیشتر روی کارآفرینی و فعال کردن افراد برای تامین مخارج زندگی‌شان متمرکز هستیم.

کرونا معادلات را به هم ریخت

عبادانی می‌گوید: کرونا آمد و بیشتر کارها تعطیل شد و مددجویان ما بیکار شدند. الان بیشتر خانواده‌هایی که تحت پوشش موسسه محدث هستند درگیر بیکاری شده‌اند و ما مجبوریم برای آنها سبد کالا و مواد ضدعفونی کننده و ماسک تهیه کنیم. ما در شناسایی افراد خیلی دقیق هستیم و افرادی که روحیه تکدیگری دارند و دلشان نمی‌خواهد کار کنند را پوشش نمی‌دهیم برای همین اکنون اصرار داریم از تحت پوششان موسسه حمایت کنیم، چون باورمان این است که کرونا باعث بیکاری آنها شده و فقرشان را بیشتر کرده است. از طرفی خیرینی که با ما همکاری می‌کردند هم الان دچار مشکلاتی شده‌اند. تعداد زیادی از خیرین صاحب کارگاه‌های تولیدی به ما کمک می‌کردند اما کرونا باعث شده کارگاه آنها تعطیل شود و آنان هم برای کمک به خیریه با مشکل روبه‌رو شوند. هر چند ما توکل‌مان به خداوند و توسل‌مان به امام هشتم (ع) است و باورمان این است که با کمک‌های مردمی خواهیم توانست به کارمان ادامه دهیم. برای همین همیشه به مردم می‌گوییم کار خیر و کمک به نیازمندان واقعی کم و زیاد ندارد، حتما نباید کمک‌ها میلیونی باشد، گاهی ۱۰ هزار تومان و ۲۰ هزار تومان می‌تواند باعث کارهای بزرگ شود. راستش باید کار خیر را شروع کنی تا متوجه شوی چه لذت و آرامش عمیقی نصیبت می‌شود آن‌وقت است که کار خیر تبدیل به عادت می‌شود. همه همکاران من در موسسه محدث به صورت داوطلبانه همکاری می‌کنند و تبعات این کارشان را بر روحیه و زندگی‌شان می‌بینند برای همین کارشان را ادامه می‌دهند. چه حسی بهتر از این که ما الان می‌بینیم دانش‌آموز بازمانده از تحصیل با حمایت خیرین وارد دانشگاه شده و در رشته مهندسی درس می‌خواند.

نبود و قطعی اینترنت؛ دردسر جدید

عبادانی می‌گوید: کرونا تحصیل دانش‌آموزان در مناطق کم برخوردار و شهرستان‌های دورافتاده را سخت کرده است، مشکل اصلی نبود اینترنت یا قطع و وصل شدن آن است. خیرین گروه‌های دیگر برای دانش‌آموزان تبلت یا گوشی هوشمند تهیه کرده‌اند اما وصل شدن به اینترنت سخت است. در روستاها مدارس دایر است آن هم در فضای باز تا بچه‌ها به کرونا مبتلا نشوند. ما چند روز قبل برای برخی بچه‌های روستاهای سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبی و لرستان لباس گرم و کاپشن تهیه کرده و برای آنها ارسال کردیم. هوا سرد شده و بچه‌ها لباس گرم ندارند. باید به فکر سرپناه، تغذیه و لباس مردم کم‌بضاعت باشیم. به‌خصوص در این دوره سخت کرونا. واقعا شرایط دشوار شده، فقیران بیشتر فقیر شده‌اند و چاره‌ای ندارند چون کار نیست. نباید این تصور را کنیم که آنها چشم به خیرین دوخته‌اند کمکشان کنند. اینها مردم آبرومندی هستند که الان در شرایط دشوار قرار گرفته‌اند و گرنه از کار کردن فراری نیستند.

نذورات را تبدیل به کمک خیر کنیم

عبادانی می‌گوید: یکی از فعالیت‌های ما کمک به هزینه درمان نیازمندان به خصوص کودکان است. الان دو مورد ضروری داریم که باید برای درمانشان اقدام کنیم و هزینه‌هایش خیلی زیاد است، یک مورد سوختگی بالای ۷۰ درصد یک کودک در خراسان رضوی است که دچار سوختگی شده و هزینه درمانش خیلی زیاد است و یک مورد هم شیمی‌درمانی کودک مبتلا به سرطان است. باورمان این است که خدا همیشه یاور ماست و حتما این هزینه‌ها هم با کمک خیرین تامین خواهد شد. در دوره کرونا که نذورات خانگی و هیات‌ها برگزار نمی‌شود، صاحب نذر و کار خیر می‌توانند، هزینه نذر را به موسسه‌های خیریه بدهند. ما در محرم و اربعین کمک‌های زیادی دریافت کردیم، آنهایی که قرار بود به پیاده‌روی اربعین بروند یا در محرم و صفر نذری بدهند، هزینه‌اش را به خیریه محدث کمک کردند و ما توانستیم ۵۰ گوسفند خریداری کرده و گوشت آن را به نیازمندان اطراف تهران و سیستان و بلوچستان اهدا کنیم. تا پایان کرونا و احیای مجدد کسب و کارها این بهترین کاری است که می‌توانیم انجام دهیم. نیازمندان به غذا و پوشاک و ماسک به‌شدت نیازمندند و ما نباید آنها را در این شرایط تنها بگذاریم.

«بیت الرضا»؛ خانه‌ای برای ایتام

عبادانی از همکاری موسسه خیریه محدث با کمیته امداد می‌گوید و این که تاکنون در خراسان رضوی به کمک مددکاران کمیته امداد رفته‌اند و کمک کرده‌اند که خانه خود را بسازند. بخشی از هزینه خانه را کمیته امداد می‌دهد و بخشی از آن را مددجو باید پرداخت کند. ما ایتام را شناسایی کردیم و بخش هزینه‌ای را که آنها باید پرداخت می‌کردند، دادیم. الان آنها صاحب خانه شده‌اند. پلاکی بر خانه آنها نصب کرده‌ایم به‌نام «بیت الرضا». تا مردم تشویق شده و بدانند با کمک امام هشتم (ع) می‌توانیم کارهای نیک زیادی انجام دهیم. چند خیر هم کمک کرده‌اند و در مشهد واحدهایی ساخته‌ایم به‌نام زائرسرا که وقف آستان قدس است و نیازمندانی که به زیارت امام هشتم(ع) می‌روند؛ می‌توانند در این زائرسراها اسکان یابند و به زیارت بروند. به کمک مجمع خیرین مدرسه ساز در بخش‌هایی از سیستان و بلوچستان و شهرستان دلیگان مدرسه‌های شبانه‌روزی ساخته‌ایم برای دانش‌آموزانی که در روستای محل اقامتشان دوره راهنمایی و دبیرستان ندارند و برای تحصیل باید به شهر بیایند که مشکلات زیادی را در پی دارد. همه اینها با کمک مردم صورت می‌گیرد و ما امیدواریم خیرین و مردم مثل گذشته پای کار باشند تا از این دوره سخت با سربلندی عبور کنیم.

مقطع حساس کنونی

مادر چرا و چه مدت به افق خیره ماند؟

امید مهدی‌نژاد
طنزنویس

مادر جوانی که یک پسر هشت ساله داشت، برای آن‌که روش‌های جدید و خلاقانه تربیت فرزند را فرابگیرد در کلاس‌های آنلاین تربیت خلاق و مادر ده ثانیه‌ای شرکت کرد و آموزه‌های تربیت خلاق را فراگرفت و پس از پایان کلاس‌ها تصمیم گرفت شیوه‌های نوین تربیتی کلاس‌ها در راه تربیت فرزند خود به کار گیرد تا فرزند او نیز همچون خود او از خلاقیت‌های جدید بهره‌مند گردد. او در اولین اقدام یک بسته شکلات کوچک را در میان اسباب بازی‌های فرزندش مخفی کرد و منتظر واکنش او شد. فرزند وقتی کلاس‌های آنلاین مدرسه‌اش تمام شد و تکالیف آنلاین مدرسه‌اش را انجام داد و شبکه نهال روزانه‌اش را تماشا کرد، به بازی با اسباب بازی‌هایش مشغول شد و ناگهان چشمش به بسته شکلات افتاد و از آنجا که بر اساس روش‌های تربیتی سنتی آموخته بود که برای مصرف هرگونه خوردنی از مادرش اجازه بگیرد، نزد مادرش رفت و گفت: ای مادر، من در میان اسباب بازی‌هایم یک بسته شکلات پیدا کرده‌ام. مادر که از کارآمدی شیوه‌های نوین تربیتی کف کرده بود، دست نوازش بر سر فرزندش کشید و گفت: چون پسر خوب و درستکاری بودی، این بسته شکلات جایزه درستکاری توست. فردای آن‌روز مادر یک بسته شکلات بزرگ در اسباب بازی‌های فرزندش مخفی کرد.

فرزند وقتی کلاس‌های آنلاین مدرسه‌اش تمام شد و تکالیف آنلاین مدرسه‌اش را انجام داد و شبکه نهال روزانه‌اش را تماشا کرد، به اتاقش رفت و به بازی مشغول شد. مادر هرچه صبر کرد تا فرزندش با بسته شکلات بزرگ‌تر نزد او بیاید، اتفاقی نیفتاد. پس به اتاق پسرش رفت و وی را در حالی که دور دهانش قهوه‌ای بود مشاهده کرد و از وی پرسید: امروز یک بسته شکلات پیدا نکردی؟ پسر گفت: چرا پیدا کردم و چون جایزه خوبی و درستکاری‌ام بود، خوردم. در این لحظه مادر به افق خیره شد و تا وقتی همسرش از سر کار بازنگشت، چشم از افق برنداشت.

برش سرد

رنگ به رنگ

علی رئوف
نویسنده

آدم خنده‌اش می‌گیرد خب. چه‌کار می‌کردم؟ می‌شود این صحنه مضحک را دید و ناخودآگاه قاه‌قاه نزد زیر خنده؟ می‌پرسید کدام صحنه؟ تصور کنید نم باران پاییزی باریده و کف خیابان کمی خیس است. درختان وسط بلوار و کنار خیابان هرکدام یک رنگند. یکی نارنجی، یکی زرد، یکی قرمز، یکی سبز، یکی تلفیقی از همه این‌ها و کف خیابان و روی پیاده‌رو هم پر شده است از برگ‌های درهمی که همه این رنگ‌ها را روی زمین نقش زده‌اند. حالا تصور کنید در چنین میزانسنی یک خودرو می‌پیچد جلوی خودروی دیگر، بعد هر دو می‌زنند روی ترمز و بعد هر دو سرشان را از شیشه ماشین‌هایشان می‌دهند بیرون و شروع می‌کنند به همدیگر بد و بیراه گفتن. شما بودید نمی‌خندیدید؟!

باز هم می‌پرسید چرا آن‌طور خندیدم؟ خب خیلی واضح است! طبیعت این همه رنگ را دارد به رخ ما می‌کشد که کنار هم به خوبی و خوشی زندگی می‌کنند. درختان سبز و زرد و نارنجی و قرمز همه کنار هم طوری ایستاده‌اند انگار نه انگار این همه با هم اختلاف دارند. بعد تصور کن وسط این چهارراه که طبیعت دارد به ما درس همزیستی برادرانه می‌دهد، ما سر یک دور زدن بدون راهنما به جان هم افتاده‌ایم. خنده‌دار است دیگر.

امروز صبح که از همان چهارراه رد می‌شدم دیدم چند رفتگر دارند برگ‌های کف خیابان را جمع می‌کنند. نمی‌دانم چطور توصیف کنم. انگار فراش‌باشی‌هایی که صبح حادثه گوهرشاد از کف زمین نشانه‌های جنایت را پاک می‌کردند. انگار که آنها مجرمند و ما بی‌گناه. انگار نه انگار که رفتگران اگر می‌خواهند چیزی را از زمین پاک کنند که تا غروب صدای درگیری و دعوا و اختلاف نشنویم، باید ماشین‌ها و راننده‌ها را جارو کنند.

هنوز هم نفهمیده‌ام چرا باید رفتگرها صبح به صبح برگ‌های روی زمین ریخته‌شده را جمع کنند. فکر کن پاییز بیاید و خدا خودش بنشیند طراحی کند و طبیعت را بگذارد که طرحش را توی کوچه و خیابان‌ها اجرا کند بعد وقتی که تمام کوچه و خیابان‌هایمان با رنگ‌های زیبا و همخوان مزین شد، رفتگرانی را بگذاریم که همه آنها را جمع کنند و دوباره بودجه زیباسازی شهر را اختصاص بدهیم به چند شرکت که بیایند و همان رنگ‌ها را به شهر بپاشند.

هنوز هم دلم می‌خواهد به آن رفتگر دم صبح بگویم که آدم نعمت خدا را از زمین پاک نمی‌کند. اگر می‌خواهی چیزی را پاک کنی که شهر زیباتر شود باید آن ماشین‌ها را از خیابان جارو کنی.

عکس‌ها: ایرنا - تسنیم